

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱۰/۱۹۸
۸۸-۱۲۴



تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران

پایان نامه ارائه شده به گروه اقتصاد
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی

توسط:

فرشته چالاک

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر عرب مازار

دی ماه ۱۳۸۷

۱۱۱۰۴۰

کتابخانه مرکزی
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۱

برگ تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران

نام دانشجو: فرشته چالاک

دوره: کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی

این پایان نامه در جلسه ۸۷/۱۰/۳۰ با نمره ۱۹ و درجه عالی مورد تأیید اعضای کمیته پایان نامه متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

استاد راهنما

امضاء

دکتر علی اکبر عرب مازار

استاد مشاور

امضاء

دکتر عباس عرب مازار

استاد ناظر

امضاء

دکتر سید محمد علی کفایی



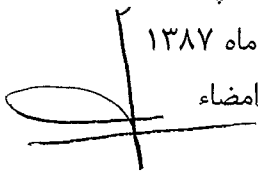
اذعان

این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی اردیبهشت ۱۳۸۷ تا دی ۱۳۸۷ نگارش و تدوین گردیده است. مطالب این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرک دیگری به این دانشگاه یا دانشگاه های دیگر ارائه نشده است.

فرشته چالاک

دی ماه ۱۳۸۷

امضاء



سپاسگزاری

نگارش و تدوین این مجموعه بی شک بدون لطف و مرحمت خداوندی و مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی‌گردید. بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر علی اکبر عرب مازار، استاد راهنما، که در طول نگارش این مجموعه با دقت و فراست به جایشان، از راهنمایی‌های ارزنده ایشان برخوردار بوده‌ام و در تمام لحظات از هیچ کمکی فروگذار نمودند، تشکر و قدردانی کنم.

همچنین از جناب آقای دکتر عباس عرب مازار، استاد مشاور، که علاوه بر نکته‌سنجی‌های دقیق‌شان همواره از نظرات کارشناسانه‌شان بهره‌جستم و جناب آقای دکتر محمد علی کفایی، استاد ناظر، که با درایت کامل و اندیشه‌ای راسخ و فاخر تمام این پایان‌نامه را مطالعه و نظرات شایسته‌ای را ابراز نمودند، تقدیر و سپاسگزاری می‌نمایم.

در پایان از جناب آقای دکتر نوفرستی که هم صحبتی و مساعدت ایشان، راهنمای اینجانب در بسیاری از موارد بوده است و نیز خانم‌ها عباسی، مرندی و مسئولین کتابخانه دانشکده اقتصاد و خانم ندا آهنگر به خاطر کمک‌های بی‌دریغشان سپاسگزاری می‌نمایم.

عنوان: تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران

دانشجو: فرشته چالاک

استاد راهنما: دکتر علی اکبر عرب مازار

دوره: کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی

چکیده

مخارج دولت یکی از کانال‌هایی است که دولت می‌تواند از طریق آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی همانند سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، مصرف بخش خصوصی، صادرات، واردات و سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه بر رشد اقتصادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثر بگذارد. این مطالعه در قالب یک الگوی کلان اقتصادی و با استفاده از روش پویای سیستمی به بررسی اثر مخارج مصرفی و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی می‌پردازد. اساس کلیه معادلات الگو تئوری‌های اقتصادی است. معادلات با استفاده از روش $ARDL$ و با استفاده از نرم افزار $Microfit$ و آمارهای سری زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۵ برآورد شده است و سپس با استفاده از معادلات بلند مدت و پویایی‌های کوتاه مدت و نرم افزار $IThink$ طی دوره ده ساله ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به شبیه سازی متغیرهای کلان اقتصادی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که مخارج عمرانی و مصرفی دولت به طور متوسط سبب افزایش رشد اقتصادی در طول دوره ۱۰ ساله شده و این اثر برای مخارج عمرانی بیشتر بوده است. همچنین تأمین مالی دولت از طریق انتشار اسکناس، اثر کمتری بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

کلمات کلیدی: رشد اقتصادی، مخارج عمرانی و مصرفی دولت، روش پویای سیستمی، الگوی کلان اقتصادی

فهرست مطالب

فصل اول: مبانی نظری

- مقدمه..... ۱
- ۱-۱- مبانی نظری دخالت دولت..... ۸
- ۱-۲- ساز و کارهای اثر گذاری فعالیت دولت بر رشد اقتصادی..... ۱۱
- ۱-۳- مخارج دولت..... ۱۵
- ۱-۴- تامین مالی کسری بودجه در ایران..... ۱۶
- ۱-۵- مطالعات انجام شده..... ۲۰

فصل دوم: مدل کلان اقتصاد ایران

- ۱-۲- تجزیه و تحلیل سیستم..... ۲۹
- ۲-۲- ساختار مدل کلان..... ۳۴
- ۳-۲- تدوین مدل..... ۴۰
- ۲-۳-۱- بخش تولید..... ۴۱
- ۲-۳-۱-۱- مصرف بخش خصوصی..... ۴۲
- ۲-۳-۱-۲- سرمایه گذاری بخش خصوصی..... ۴۷
- ۲-۳-۱-۳- خالص صادرات..... ۵۳
- ۲-۳-۲- طرف عرضه..... ۵۳
- ۲-۳-۲- بازار نیروی کار..... ۵۵
- ۲-۳-۲- شاخص دستمزد حقیقی..... ۵۷
- ۲-۳-۳- بخش تجارت خارجی..... ۶۰
- ۲-۳-۳-۱- صادرات..... ۶۱

- ۶۴.....۲-۳-۳-۲-واردات.....
- ۶۷.....۳-۳-۳-۲-تراز پرداخت ها.....
- ۶۸.....۲-۳-۴-بخش پولی.....
- ۷۰.....روابط تعریفی و اتحادی الگو.....

فصل سوم: برآورد معادلات الگو

- ۷۹.....۳-۱-تابع مصرف بخش خصوصی.....
- ۸۱.....۳-۲-تابع سرمایه گذاری بخش خصوصی.....
- ۸۴.....۳-۳-تابع تقاضای نیروی کار.....
- ۸۶.....۳-۴-تابع دستمزد واقعی.....
- ۸۹.....۳-۵-تابع تولید.....
- ۹۱.....۳-۶-عرضه صادرات غیر نفتی دلاری.....
- ۹۳.....۳-۷-تابع تقاضای واردات دلاری.....
- ۹۶.....۳-۸-روابط ارتباطی الگو.....

فصل چهارم: طراحی و شبیه سازی الگو

- ۱۰۱.....۴-۱-مفهوم سیستم.....
- ۱۰۱.....۴-۲-ویژگی سیستم.....
- ۱۰۳.....۴-۳-ساختار سیستمی الگو.....
- ۱۰۵.....۴-۳-۱-بخش تولید.....
- ۱۰۹.....۴-۳-۲-بخش تجارت خارجی.....
- ۱۱۲.....۴-۳-۳-بخش پولی.....
- ۱۱۵.....۴-۳-۴-بخش بودجه دولت.....

- ۱۱۸.....۴-۴-تعیین اعتبار و تحلیل الگو.....
- ۱۲۰.....۴-۴-۱-اعتبار مدل.....
- ۱۲۱.....۴-۴-۲-فروض اساسی مدل.....
- ۱۲۲.....۴-۴-۳-انتخاب گام زمانی.....
- ۱۲۴.....۴-۴-۴-روش های تعیین اعتبار مدل.....
- ۱۳۶.....۴-۴-۱-شبیه سازی بخش تولید.....
- ۱۴۲.....۴-۴-۲-شبیه سازی بخش پولی.....
- ۱۵۰.....۴-۴-۳-شبیه سازی بخش تجارت خارجی.....
- ۱۵۴.....۴-۴-۴-شبیه سازی بخش بودجه دولت.....

فصل پنجم: آزمون فرضیه و نتیجه گیری

- ۱۶۱.....۵-۱-آزمون فرضیه.....
- ۱۶۴.....۵-۱-۱-نتایج آزمون فرضیه اول.....
- ۱۷۲.....۵-۱-۲-نتایج آزمون فرضیه دوم.....
- ۱۷۸.....۵-۲-نتیجه گیری و پیشنهادات.....
- ۱۸۰.....منابع و مأخذ.....
- ۱۸۶.....پیوست (۱): اسامی متغیرها و داده‌های آماری.....
- ۱۹۸.....پیوست (۲): آزمون ریشه واحد.....
- ۲۳۴.....پیوست (۳): جداول برآورد ARDL.....
- ۲۴۹.....پیوست (۴): معادلات سیستمی الگو.....

فصل اول

مبانی نظری

مقدمه:

پاسخ به این سوال که چه عواملی بر نرخ رشد اقتصادی اثر می گذارند، همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است و نظریات مختلف رشد در پاسخ به این سوال شکل گرفته اند. دسته ای رشد را تنها متأثر از انباشت سرمایه دانسته و عده ایی دیگر تنها پیشرفت فنی را موثر می دانند. این قبیل افراد همچون سولو، به هیچ وجه نمی پذیرند که رشد اقتصادی تحت تأثیر عاملی همچون سیاست های دولت قرار داشته باشد. اگرچه اثر اندازه دولت و همچنین سیاست های دولت بر رشد مقوله ای است که در الگوهای اولیه مورد توجه قرار نگرفت، اما همواره مورد بحث اقتصاددانان بوده است و در دو بعد نظری و تجربی، نظرات بعضاً متناقضی در مورد آن وجود دارد.^۱

با گذشت زمان، شواهد تجربی نشان داد که تئوری ها و نظریات اقتصاددانان کلاسیک قادر به توضیح واقعیات نیستند. این نظریات بیان می کردند که فعالیت های دولت بر رشد دارای اثر منفی می باشد و دولت را به عنوان مانعی برای رشد مطرح می کردند و همچنین تنها وظیفه دولت را فراهم آوردن بستری مناسب برای فعالیت های بخش خصوصی یا وضع قوانین و مقررات می دانستند.^۲

رویکرد مدل های رشد بعدی به مقوله دولت و اثر گذاری آن بر اقتصاد متفاوت است. در مدل های رشد نئوکلاسیک، رشد اقتصادی از هیچ نوع سیاستی تأثیر نمی گیرد و سیاست ها تنها بر سطح تعادل پایدار و رشد مرحله گذار اثر می گذارند. اما مدل های رشد دیگری نیز وجود داشتند که به مدل های رشد درون زا مشهور شدند. در این مدل ها ایده و دانش،

^۱ افسانه شفيعی و همکاران - آزمون اثرگذاری سياست مالی بر رشد اقتصادی - پژوهشنامه بازرگانی - ۱۳۸۵ - ص ۸۳

^۲ روح اله خدارحمی، بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشکده علوم اقتصادی و

سیاسی - دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۷۱ - ص ۵۹

موتور اصلی رشد است و این دو کالای عمومی هستند. لذا دولت با تبیین حقوق مالکیت و طرح و گسترش مراکز تحقیقاتی و توسعه می تواند رشد اقتصادی را سرعت بخشد.^۱

مدل های مختلف رشد برای توضیح رشد بلند مدت درون زا مطرح گردید که هر یک عوامل متفاوتی را بر رشد موثر دانسته و نیز نقش متفاوتی برای دولت قائل بود. از جمله این عوامل می توان به تجارت، تحقیق و توسعه، نابرابری درآمد و سیاست های مالی اشاره کرد. در تمامی این مدل ها دولت می تواند بر رشد اقتصادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثر بگذارد.^۲ هرچند برخی از این آثار می تواند اثری منفی بر رشد اقتصادی باشد، لیکن از وظایف مهم دولت بخصوص در هنگام ارائه کالاهای عمومی، نمی توان چشم پوشی کرده و نقش دولت را محدود ساخت. چرا که به حق این نگرانی وجود دارد که آیا در صورت کوچک نمودن دولت (در جهت حذف آن)، این کار بار سنگینی از هزینه ها را بر دوش اقتصاد تحمیل نکند؟!^۳

در بررسی آثار فعالیت های دولت بر رشد اقتصادی این امر ضروری است که بسیاری از فعالیت های دولت بطور مستقیم بر رشد اثر نمی گذارند، که از آن جمله می توان به وضع قوانین و مقررات از جانب دولت اشاره کرد. از جمله دلایلی که مبنای نظری و تجربی برای دخالت دولت در عرصه های مختلف اقتصادی و همچنین تأثیر و نقش دولت بر رشد اقتصادی مطرح شده است، نارسایی بازار، ارائه کالاهای عمومی، وجود آثار خارجی، تأمین عدالت اجتماعی و ... می باشد.^۳

^۱ افسانه شفیی- همان منبع-ص ۸۴

^۲ سولماز مصلحی، بررسی اثر فعالیت های دولت بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای نفتی، پایان نامه کارشناسی ارشد-دانشکده مدیریت و اقتصاد-دانشگاه صنعتی شریف-۱۳۸۴-ص ۵

^۳ سولماز مصلحی- همان مأخذ-ص ۶

اگر فعالیت های دولت هدفمند صورت نگیرد، عدم کارایی در ساز و کار فعالیت های اقتصادی افزایش یافته و رشد و عملکرد اقتصاد را در جهت معکوس تحت تأثیر قرار می دهد. البته شواهد تاریخی نشان می دهد که دخالت گسترده دولت در فعالیت های تولیدی و تجاری نتوانسته به تخصیص کارآمد تر منابع کمک کند و نرخ رشد سریع تری را تضمین نماید^۱، به گونه ای که در دهه ۷۰ میلادی اکثر کشورهایی که سیاست "دولت" جایگزین "بازار" را اتخاذ کرده بودند نه تنها به رشد اقتصادی مناسب دست نیافتند بلکه دچار مشکلات بسیاری شدند؛ در مقابل کشورهایی که دولت آنها مکمل بازار و مدافع توسعه و رشد اقتصادی بوده و نقش اساسی در توسعه زیر بناهای حقوقی و فیزیکی، تقویت منابع انسانی و نهاد سازی و ... ایفا کرده است، به رشد مطلوب تری دست یافتند. بنابراین به نظر می رسد فعالیت های بیش از حد دولت نیز از رشد اقتصادی بکاهد. چرا که فعالیت های دولت نیازمند تأمین مالی می باشد که ممکن است انگیزه پس انداز و به دنبال آن سرمایه گذاری را کاهش بدهد، لذا در تئوری های اقتصادی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی به شکل U معکوس در نظر گرفته می شود. به عبارت دیگر سطوح اولیه فعالیت های دولت به جهت تأمین زیر ساخت های اقتصادی عملکرد اقتصاد را رونق می بخشد. اما پس از مدتی تأمین مالی هزینه ها (برای مثال از طریق اخذ مالیات) انگیزه عاملین را تحت تأثیر قرار می دهد و از رشد اقتصادی می کاهد^۲. بنابراین اگر رابطه ای میان رشد اقتصادی و اجزای مخارج دولت وجود داشته باشد تبیین آثار این اجزاء جهت تعیین برنامه های رشد بلند مدت، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ در این مطالعه نیز با استفاده از روش سیستمی به بررسی اثر مخارج دولت بر رشد که شامل مخارج جاری و مخارج عمرانی می باشد، خواهیم پرداخت.

^۱ سولماز مصلحی- همان منبع، ص ۱۱

^۲ Robert J. Barro- Economic Growth-1991-pp155

هدف از انجام تحقیق:

اهداف تحقیق را می توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- هدف اصلی پژوهش، بررسی تاثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی ایران است تا بتوان با سیاست گذاری مالی مناسب به افزایش رشد اقتصادی و رسیدن به اهداف چشم انداز کمک نمود.

۲- مقایسه اثر مخارج مصرفی و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی ایران

۳- بررسی راهکارهای تامین کسری بودجه دولت (با تأکید بر انتشار پول) و اثر آن بر رشد اقتصادی

فرضیه تحقیق:

۱- مخارج مصرفی در مقایسه با مخارج عمرانی دولت اثر کمتری بر رشد اقتصادی ایران دارد.

۲- تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی موجب کاهش رشد اقتصادی می شود.

مراحل و روش تحقیق:

فصل اول به مبانی نظری رشد و مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد اختصاص دارد. در

فصل دوم الگوی کلان اقتصاد ایران شامل چهار بخش تولید، بخش پولی، بخش بودجه دولت و بخش تجارت خارجی تنظیم گردیده است. هر بخش مشتمل بر متغیرهای مهم اقتصادی و معادلات رفتاری است که بر اساس مبانی نظری شکل گرفته و نیز شامل تعدادی معادلات

ارتباطی می باشد. فصل سوم شامل نتایج برآورد معادلات الگو به روش ARDL و با استفاده از نرم افزار Microfit و آمارهای سری زمانی ۸۵-۱۳۳۸ می باشد.

در فصل چهارم الگوی مورد مطالعه با استفاده از نرم افزار Ithink و به روش سیستمی طراحی شده و در فصل آخر به آزمون فرضیه های تحقیق و بیان نتایج پرداخته شده است.

جمع آوری داده ها:

داده های آماری مورد استفاده در این تحقیق، دوره زمانی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵ را در بر می گیرد. در این الگو عمدتاً از متغیرهای واقعی و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ و به میلیارد ریال استفاده شده است. در برخی موارد نیز متغیرها به قیمت جاری می باشند که نام آنها با پسوند J نشان داده شده است. برخی دیگر از متغیرها نیز برحسب میلیون دلار می باشند که نام آنها نیز در آمار سری زمانی با پسوند \$ آمده است. کلیه داده های آماری مربوط به کشور ایران با استفاده از کتاب حساب های ملی ایران و ترازنامه بانک مرکزی در سال های مختلف جمع آوری شده است. آمارهای مربوط به قیمت عمده فروشی کشورهای صنعتی با استفاده از نشریه IFS اخذ گردیده و به قیمت پایه سال ۱۳۷۶ تبدیل شده است. آمار برخی متغیرها در گزارش های رسمی موجود نمی باشد. لذا این قبیل آمارها با توجه به اطلاعات موجود تولید شده اند که در ادامه به نحوه ساخت آنها اشاره شده است.

۱. درآمد قابل تصرف (YD)

در تمامی مطالعات صورت گرفته در زمینه رفتار مصرفی بخش خصوصی به دلیل عدم دسترسی به ارقام درآمد قابل تصرف از متغیرهای جانشین استفاده شده است. در این مطالعه از تولید ناخالص داخلی (GDPF)، ارزش افزوده بخش نفت (VO)، میزان استهلاک

(KDEP) و نیز مالیات های مستقیم (TD) کسر گردیده است و متغیر حاصل به عنوان جانشین درآمد قابل تصرف مورد استفاده قرار گرفته است. دلیل کسر ارزش افزوده بخش نفت در کنار سایر متغیر های معمول از تولید ناخالص داخلی آن است که ارزش افزوده بخش نفت عمدتاً به دولت تعلق دارد. با توجه به نحوه محاسبه درآمد ملی در حساب های ملی، در این مطالعه نیز، استهلاک از تولید ناخالص داخلی کسر شده است.

$$YD = GDPF - VO - TD - KDEP$$

۲. نسبت جمعیت ۳۵ تا ۴۵ سال به کل جمعیت (N3545)

از آنجا که آمار مربوط به جمعیت بر حسب گروه های سنی مختلف فقط در مقاطع سرشماری توسط مرکز آمار ایران جمع آوری و منتشر می گردد، لذا برای محاسبه نسبت فوق لازم است که ابتدا جمعیت بین ۳۵ تا ۴۵ سال در فواصل بین مقاطع سرشماری برآورد گردد. برای این منظور از تابع نمایی^۱ مربوط به تحول جمعیتی استفاده شده و آمار مربوط به آن مورد برآورد قرار گرفته است. آنگاه با در اختیار داشتن آمار سری زمانی جمعیت کل کشور، منتشر شده توسط بانک مرکزی، نسبت مورد نظر ساخته شده است.

۳. انباشت سرمایه (K)

مقادیر انباشت سرمایه^۲ از پایان نامه محمد نوفرستی (۱۳۷۹) اخذ گردیده است و به سال پایه ۱۳۷۶ تبدیل شده است و محاسبه آن به شکل زیر است :

1 کتاب حساب های ملی ۱۳۳۸-۱۳۵۶، بانک مرکزی، ۱۳۶۰، ص ۸۸

۲ انباشت سرمایه در این پایان نامه از جمع انباشت سرمایه در بخش های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات که در محمد نوفرستی و عباس عرب مازار (۱۳۷۳) گزارش شده است، بدست آمده است.

$$K = (1 - 0.04) * K_{t-1} + I - KDWAR_t$$

متغیر KDWAR نشان دهنده میزان انهدام سرمایه در سال های جنگ تحمیلی می باشد که ارقام آن به قیمت کالاهای سرمایه ای به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ تبدیل شده است.^۱ در کارهای تجربی نرخ استهلاک معمولاً بین ۳ تا ۶ درصد در نظر گرفته می شود. "آمار سرمایه گذاری در ساختمان و ماشین آلات بیانگر آن است که حدود ۷۰٪ سرمایه گذاری در بخش ساختمان و حدود ۳۰٪ در بخش ماشین آلات می باشد. لذا با در نظر گرفتن میانگین وزنی از نسبت فوق، نرخ استهلاک ۴٪ در نظر گرفته می شود". (نوفرستی، ۱۳۷۹)

۴. نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی (UZ)

مبنای محاسبه نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، آمار مربوط به واردات واسطه ای بر حسب دلار و به قیمت های ثابت می باشد. چرا که هر زمان ثبات اقتصادی در جامعه برقرار و تنگنای ارزی وجود نداشته است، افزایش واردات کالاهای واسطه ای سبب شده است تا امکان بهره برداری از ظرفیت های خالی اقتصادی کشور فراهم شده و سطح تولید افزایش می یابد. ارقام مربوط به شاخص مذکور از پایان نامه دکتری محمد نوفرستی تا سال ۱۳۷۷ اخذ شده است و سپس بر اساس روش عنوان شده در تحقیق مذکور برای سال های بعدی نیز نرخ استفاده از ظرفیت های تولیدی محاسبه شده است.

^۱ - ارقام جاری خسارت جنگ از گزارش نهایی برآورد خسارت جنگ تحمیلی معاونت امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹) اخذ شده و با توجه به شاخص قیمت کالاهای سرمایه ای به قیمت سال ۱۳۷۶ تبدیل شده است.

۱-۱- مبانی نظری دخالت دولت:

از دوران تحولات انقلاب صنعتی دولت در اروپا جایگاه تعریف شده مشخصی را به خود اختصاص داده و طی چند دهه بعد از آن، افزایش مداخله دولت در اقتصاد رواج یافت و فعالیت های دولت ها اثر ویژه ای بر عملکرد اقتصاد بر جای گذاشت. عقیده عمومی بر آن بود که دستیابی به رشد اقتصادی بدون دخالت دولت یا ممکن نیست یا دست کم مدت زمان زیادی به طول می انجامد^۱. به گونه ای که بسیاری از اندیشمندان (نظیر نورث) بر این باورند که هنگامی که دولت ها به حدی از توان رسیدند که از حقوق مالکیت دفاع کنند، انقلاب صنعتی در اروپا پدید آمد^۲.

از دیر باز تاکنون در ادبیات اقتصاد درباره دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی، دیدگاه ها و نظریه های متفاوتی وجود داشته است بحث دخالت و حضور دولت در اقتصاد به همراه تدوین علم اقتصاد و مکتب اقتصاد کلاسیک به شکل جدی مطرح شده است. اقتصاددانان کلاسیک نقش محدودی را برای دولت قائل بودند. آنها معتقد بودند نیروی بازار در بلند مدت تعادل را به ارمغان خواهد آورد و لذا دخالت دولت در امور اقتصادی ضرورتی ندارد. آدام اسمیت نقش دولت را فراهم کردن مشاغل عمومی، تدوین و اجرای قوانین (بویژه قوانین مالکیت تا از آزادی سیاسی و اقتصادی افراد حمایت کند) و دفاع از کشور می دانست.

با گسترش تفکر مارکسیسم و سوسیالیسم حضور دولت بویژه در اعمال سیاست های باز توزیعی، پر رنگ تر شد. از دهه ۱۹۳۰ به بعد، مسأله دخالت دولت در اقتصاد مختلط مطرح شد که حالت بینابین دو وضع افراط و تفریط مذکور محسوب می شد. بعد با ظهور تفکرات کینزی، نقش دولت در جهت پی ریزی اقتصادی که در چرخه های تجاری دچار نوسانات

^۱ فیض ا. جوزیان، بررسی تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ص ۲

^۲ سولماز مصلحی، همان منبع، ص ۲۵

کمتر بشود، توسعه یافت و دولت‌ها در اقتصادهای موسوم به سرمایه‌داری به عنوان مکمل بخش خصوصی در عرصه سرمایه‌گذاری وارد عمل شدند.

تحولات مربوط به بحث دخالت دولت در اقتصاد بین دهه ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۶۰ به نسبت، آرام و هماهنگ با دولت در اندیشه کینزی و اقتصاد مختلط بود. سیاست‌های حمایتی نامناسب دولت‌ها، در بین جنگ‌های جهانی اول و دوم و رشد سریع کشورهای بلوک شرق که با قواعد برنامه ریزی مرکزی اداره می‌شدند، سبب شد نظریات کینز در بسیاری از کشورها مورد تایید قرار گیرد. بعد از جنگ جهانی دوم و تعریف مفهوم کالای عمومی توسط اقتصاددانانی نظیر ماسگریو و ساموئلسون توجیهی برای حضور دولت و دخالت آن در جهت تولید و عرضه کالاهایی با ویژگی کالای عمومی مطرح شد که این نیز گسترش وظایف دولت را به دنبال داشت.^۱ اقتصاددانان توسعه اوایل دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ علت مهم عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را عدم کفایت نظام بازار قلمداد می‌کردند؛ لذا دخالت دولت را به عنوان تنها وسیله اصلاح غیر کامل بودن بازار ضروری می‌دانستند. به گونه‌ای که این دو دهه به عنوان عصر طلایی دخالت دولت قلمداد می‌شود.^۲

از دهه ۱۹۷۰ تا کنون که در حال گذران دهه اول هزاره سوم میلادی هستیم تحولات چشمگیری در حوزه دخالت دولت در اقتصاد شکل گرفته است و هنوز هم ادامه دارد. دهه ۱۹۸۰ یک نوع چرخش عقیده‌های علیه دولت صورت گرفت که سرانجام این تصور غلبه پیدا کرد که در حوزه اقتصاد، بخش دولت نسبت به بخش خصوصی کارایی کمتری دارد. بنابراین از اواخر این دهه نقش دولت در اقتصاد رو به کاهش نهاد. به عبارت دیگر در ربع

^۱ سولماز مصلحی، همان منبع، ص ۲۶

^۲ ابوالفضل شاه‌آبادی، بررسی اثر فعالیتها و سیاست‌های اقتصادی دولت بر رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳

پایانی قرن بیستم دوباره بازگشتی به سوی اندیشه های دوره اول به وجود آمد و اندیشه های دولت گرایی سوسیالیستی و کینزی و ... از صحنه خارج شدند. در این دوره ناتوانی نظام های سوسیالیستی در پاسخگویی به خواسته ها و تقاضای مصرفی افراد، بعلاوه ناتوانی دولت در حل معضل رکود-تورمی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری زمینه را برای احیای رویکرد لیبرالیسم در قالب های فکری جدید فراهم نمود.^۱

در کشور ما بر اساس آمار موجود، اندازه نسبی دولت (کل مخارج به تولید ناخالص ملی) تا سال ۱۳۵۴، در حال افزایش بوده است. البته این روند در سال های پس از انقلاب متوقف و روند نزولی داشته است.^۲

نکته شایان ذکر آنکه بر مبنای ادبیات نظری درباره ارتباط بین فعالیت های دولت با رشد اقتصادی، اجماع نظر وجود ندارد؛ زیرا گروهی معتقدند هرچه فعالیت های اقتصادی دولت بزرگ تر باشد، می تواند نقش تعیین کننده ای بر رشد اقتصادی داشته باشد؛ در حالیکه گروهی دیگر معتقدند فعالیت های اقتصادی دولت نقش ناچیزی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می کند.^۳

موافقان کوچک شدن اندازه دولت معمولاً ادعا می کنند که اندازه بزرگ تر دولت مانع رشد اقتصادی است. به عقیده این گروه فعالیت های اقتصادی دولت با عدم کارایی همراه است، بخش غیر دولتی در انجام وظایف بهتر از بخش دولتی عمل می کند. سیاست های پولی و مالی دولت ممکن است تاثیر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی بگذارد. در مقابل طرفداران حضور گسترده دولت در اقتصاد، به نقش دولت در زمینه ایجاد و تکمیل زیر

^۱ احمد انصاری، بررسی مخارج دولت و رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۲-۱۴

^۲ فیض ا. جوزیان، همان منبع، صص ۲

^۳ ابوالفضل شاه آبادی، بررسی اثر فعالیتها و سیاست های اقتصادی دولت بر رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۵، صص ۱۸۳-۱۸۳